

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۴ هـ.ق - پیام آوران عشق)

۴ آذر ۹۱

خطبه‌ی شب نهم (شب عاشورا)

شکر، نامی است که جان عاشق آن را می‌شناسد؛ زبانش حیران نعمت‌های بی‌شمار، به آن معترف است و جانش در بند خالق که مخلوقاتش را بر سفره‌ی احسان محبتش نشانده و آغوش رحمتش را چونان سایه‌ای بر سرشان گشود تا از او دور نباشند؛ زبان را به ثنای خویش خواند تا فضای دهان، از مکر شیطان در امان بماند؛ اینک در این زمان، جان‌ها حیران مکر مکاران و خودکامگان است و عقل‌ها از مخازن درک و اندیشه به آنچه در پیش رویش قرار دارد تهی گشته و همانند چهارپایان با طلوع خورشید به چراگاه رفته و با غروبش به خوابگاه خویش مراجعت می‌کند تا آنچه را بلعیده است را مرور کند.

حق پرده‌ی باطل را کنار می‌زند تا جان‌های مشتاق به ذخایر جانشان بازگردند؛ قدم‌هایشان استوارتر و همتشان پربارتر بر گرد حق بچرخند تا توان جانشان افزایش یافته و بتوانند از تاریکی جهل، خود را برهانند و با انوار عاشوراییان هم‌نوا شوند.

روز ۲۳ محرم با طلوع خورشید آغاز می‌شود. کاروان مانند نسیمی که با خود بوی هزاران گل خوشبو را به ارمغان می‌آورد در حرکت است. امام سجاد (ع) رو به عزیزانش می‌کند و می‌فرماید: آنچه به جانمان قوت می‌بخشد و سختی راه را برایمان دل‌نشین می‌سازد نعمتی است که پروردگاران از خوان رحمتش بر جانمان می‌خوراند؛ ساعت‌های عمرمان را در آینه‌ی مشیتش می‌نگرد و همانند همراهان حضرت نوح نبی از طوفان‌های جهل در امان می‌دارد و آنگاه که در کشتی را بگشاید بوی عطر رسول خدا مزده‌ی باز شدن در رحمت الهی باشد.

کاروان به ظهر می‌رسد و برای نماز متوقف می‌گردد. همگی حمد و ستایش پروردگارش را با زبان امام به خداوند عرضه می‌دارند و باز به راه ادامه می‌دهند. غروب ۲۳ محرم فرا می‌رسد و کاروان برای استراحت توقف می‌کند. جز کودکان

خردسال بقیه‌ی اهل کاروان بانوان شهیدان کربلا هستند. همسر گرامی حضرت علی اکبر پس از اذن از امام رو به یاران می‌کند و می‌گویند: ای وای بر جانی که چونان آتشی از هجران جانانش در خاک می‌غلند و سینه‌ی پر دردش را به آن می‌چسباند تا پیامش به جان‌هایی منتقل شود که شعله‌اش را بربایند و جانشان را در حق بی‌افروزند؛ من شعله‌ای را به همراه آوردم تا در کنار امام عصرم جان جدا شده از مولایم حسین را با آن بسوزانم پس الغوث یا فرزند رسول خدا، قلبم با نزدیک شدن به شام در سینه قرار نمی‌گیرد مددی کنید تا سینه‌ام آرام شود. امام سجاد (ع) رو به آسمان می‌کنند و می‌فرمایند: ای پروردگارم، آنگاه که پدرم حضرت آدم را از عرش به فرش فرا خواندی و او از هجرانت آن‌چنان نالید که آفرینش به حالشان به فغان آمد، توبه‌اش پذیرفتی و او را به مقاماتش بازگرداندی و ما میراث داران پدرمان هستیم که در هجرانتان سینه‌ی آفرینش را به سوز و گداز مبتلا کرده‌ایم؛ آنچه قلب یارانم را از قرار خارج می‌کند آتش عشقی است که در حق نهاده‌ای پس مددمان کن تا از حریمت محافظت کنیم.

کاروان به راه ادامه می‌دهد و غروب روز ۲۳ محرم با طلوع خورشید به پایان می‌رسد و باز صبحی دیگر آغاز می‌شود. حضرت زینب به خدمت امام می‌آید و می‌فرماید: توان جانم در نگاه بی‌قرار رباب مادر علی اصغر آن‌چنان از دست می‌رود که اگر جان شیرین شما آن را مدد نمی‌کرد تحملش برایم مشکل بود. امام می‌فرمایند: شخصیت این بانوی گرامی، جهان را تا قیامت مدیون خود خواهد کرد؛ او پاره‌ی جانش را از سینه جدا کرد و به دستان امامت سپرد تا جاودانگی حق و رسوایی باطل را در پیشانی دهر به امانت گذارد؛ آنچه شما عمه‌ی بزرگوaram را این‌چنین آشفته کرده قلب مهربانتان است که میراث دار جدم امیر مؤمنان است.

کاروان به غروب روز ۲۴ محرم می‌رسد و باز بستر خاک آماده‌ی پذیرایی از میراث‌داران حق می‌گردد. پاره‌ای از شب گذشته و امام سجاد در راز و نیاز به درگاه پروردگار به سجده افتاده و صدای مبارکش بیابان را همانند قطعه‌ای از بهشت موعود به نمایش درآورده است. صدای گریه‌ای آرام به گوش امام می‌رسد. به طرف صدا می‌روند؛ امام

محمد باقر (ع) است که به آرامی در نجواهای کودکانه با پروردگار در عبادت است، پسر گرامی‌شان را در آغوش می‌گیرند و می‌فرمایند: من فکر کردم بیابان همه را در جانش خوابانده است اکنون می‌بینم تو از این بستر گریخته‌ای؛ امام محمد باقر سر را به سینه‌ی پدر می‌چسباند و می‌فرماید: جدم امام حسن را در خواب دیدم که فرمود: محمد تو بازوان منی در مدد پدرت، پس بستر را با یاد پروردگارت به ملکوت پیوند کن تا صدای مناجات از عسل شیرین‌تر را به گوش عرش برسانی و خاندان رسالت را در شکوهش مدد کنی. امام آهسته فرزند دل‌بندش را بر زمین می‌گذارند و می‌فرمایند: تو وارث پیامبرانی پس جانشینی شایسته باش. به محل عبادتشان باز می‌گردند و شب ۲۴ محرم به صبحی روشن پیوند می‌خورد و کاروان، با جلالت فرزندان رسالت به راه ادامه می‌دهد تا گوش‌هایی شنونده‌ی این امانت گرانبار باشد که غبار باطل را در اطاعت قرآن کریم از جانش زدوده و قلبش را آینه‌دار آن نموده تا شعله‌ی محبت پروردگارش در آن مانند چراغی فروزان بی‌فروزد و ندای پیامبرش را به گوش جان بشنود که او را به حق دعوت می‌کند و توحید را فرا راه آن قرار می‌دهد تا شرک‌های رنگارنگ از صفحه‌ی جانش پاک شود و معماهای باز نشده‌ی وجودش با چراغ عقل در مسیر درک و فهم واقع شود پس در فراز و نشیب این راه، امام عصرمان را به مدد می‌خوانیم تا دست ناتوانمان را همانند امام سجاد (ع) در دست قوی امامت گیرد و ما را در پیمودن راه عاشوراییان مدد نماید.

اینک در باطن جامان او را می‌خوانیم و باز هم‌نوا با یکدیگر فریاد می‌زنیم:

**اللهم عجل لولیک الفرّج**